

نگاهی به ساختار فیلم آموزشی

● وحید گلستان

اشاره

اگر دانش آموز یا آموزگاری یک فیلم آموزشی را خلاصه کند، بی شک این خلاصه بخشی از محتوای فیلم را در خود دارد اما آیا این محتوای نگاشته شده، فیلم است؟ در واقع، محتوا به قدری در رسانه و ویژگی‌های رسانه‌های تنیده شده که به تعبیر مک لوهان «وسیله (رسانه) خود بیان است». با این تعبیر، هر فیلم آموزشی مبتنی بر اصول علمی خاص موضوع خود است اما محتوای آن در «فرم» رسانه‌ای جدید تنیده شده است.

تمامی فرایندهای تشابه و تضاد که تصاویر فیلم را در قصه‌ای یا روایتی جمع می‌آورد، دارای ویژگی تعلق به دستور زبان سینماست. یک مفهوم علمی مشخص، مسیر پیچیده‌ای را طی می‌کند تا از یک «مفهوم» تبدیل به یک محتوا در رسانه‌ی جدید به نام فیلم شود و در این راه نیاز است فرم و محتوا با هم شکل بگیرند. ابزار مؤلف (که در اینجا نویسنده‌ی فیلم‌نامه و فیلم‌ساز است) عناصر بیانی سینما همچون میزانشن، شخصیت، رنگ، گفت‌وگو، صحنه، لباس و سایر نشانه‌های فیلمی است که در کل، یک جهان تازه‌ی دراماتیک می‌سازند تا فرم و محتوای رسانه‌ی جدید شکل بگیرد و مبنای محتوا براساس دیدگاه کارشناسی به مفهوم علمی خاص شکل می‌گیرد. از آنجا که فیلم آموزشی را یک رسانه‌ی کاربردی می‌دانیم، اهدافی که در ساخت پیام و ایجاد معنا از این رسانه خواستاریم بسیار کنترل شده‌اند. سؤال بسیار مهم در ابتدا این است که فیلم آموزشی فیلمی مستقل است یا در انواع دیگر قابل تعریف و تقسیم‌بندی است و نیز اینکه فیلم آموزشی دارای «ساختاری» ویژه است یا «موضوعی» ویژه؟

ساختار یا موضوع

وقتی به تعدادی فیلم آموزشی در کنار هم نگاهی بیندازیم، اولین نکته‌ی قابل توجه، تنوع در موضوع است. در واقع، فیلم آموزشی می‌تواند با هر موضوعی ارائه شود. صرف اینکه موضوع در مورد اتم در شیمی یا بخشی از تاریخ هخامنشیان یا عواقب دروغ‌گویی یا مبحثی فلسفی باشد، محدودیتی در آموزشی بودن یا نبودن فیلم ایجاد نمی‌کند. پس

تمام موضوعات انسانی، علمی، اخلاقی، فرهنگی و... می‌توانند به‌طور بالقوه موضوعی مناسب برای فیلم آموزشی قلمداد شوند.

برای آموزشی شدن یک فیلم نیاز به ساختار ویژه‌ی آن داریم نه موضوعی خاص. حتی یک خطای عمیق دیگر هم رخ می‌دهد؛ آنجا که برخی به دلیل محل رخداد قصه در کلاس درس، فیلم خود را آموزشی می‌دانند.

انواع فیلم آموزشی

۱. فیلم آموزشی مستقیم

فیلم‌هایی هستند که هدف اصلی آن‌ها آموزش است؛ بدین معنا که در سطح اول معنای خود در پی آموزش و تبیین «موضوع» می‌باشند. این فیلم‌ها جذابیت، سرگرمی و احساس لذت دیدن فیلم را اهداف فرعی قلمداد می‌کنند و این‌ها را در شکل، چینش محتوا و لایه‌های دوم یا چندم معنا پی

می گیرند. ارتباط آموزشی در این نوع صریح تر است و نشانه‌های به کار گرفته شده کاملاً موضوع محورند و از ساختاری به نسبت ساده تر برخوردارند.

۲. فیلم آموزشی غیر مستقیم

این آثار به دلیل تأخیر در دریافت معنا از سوی مخاطب می‌توانند جذاب تر باشند اما جنبه‌ی آموزشی کمتری دارند؛ چرا که فرصت تأویل و تفسیرگری را تا حدی باز می‌گذارند. لذا صراحت ارتباطی و آموزشی کمتری دارند. معنای این نوع فیلم آموزشی، در سطح اول می‌تواند صرفاً موضوع یا مفهوم آموزشی نباشد. هر چند که در این فیلم‌ها آموزش و موضوع آموزش از اهداف مهم محسوب می‌شوند.

ساختار فیلم آموزشی مستقیم

انواع ساختارها و انواع فیلمی در سینما ویژگی‌ها و محدودیت‌هایی به همراه دارند. برای مثال، در ساختار داستانی در مقابل ساختار مستند تفاوت‌هایی دیده می‌شود. تعلیق، احساس، تأخیر در دریافت معنا، زمان بیشتر برای ارائه‌ی پیام و... را در سینمای داستانی می‌بینیم و در سینمای مستند صراحت بیان پیام، زمان کمتر برای ارائه‌ی اطلاعات بیشتر، پردازش بیشتر محتوا، قابلیت بیشتر ارجاع علمی داشتن، مبدل شدن تصویر به یک سند قابل اعتنا و... ویژگی‌های کلی این دو ساختار بیانگر آن است که هنرمند این عرصه با توجه به اهداف بیانی خود، محتوای خود و گروه مخاطبش، ساختار مناسب را برمی‌گزیند و طبعاً با انتخاب هر ساختار، محدودیت‌هایش را هم به‌عنوان ویژگی‌های آن باید پذیرا باشد.

در فیلم آموزشی موضوع یکی از ارکان کنش اصلی است. لذا سایر کنش‌ها و عناصر بیانی که به اثر اضافه می‌شود، باید به سمت هسته‌ی خود- که کنش مرکزی و اصلی است- حرکت کند. به این شکل محدودیت‌هایی که در نوع فیلمی وجود دارد باعث می‌شود بخشی از ارتباط کارکردگرای

فیلم آموزشی خدشه‌دار شود. در واقع، در سایر انواع فیلمی جذابیت‌های تولید معنا از طریق هنر و رسانه‌ی فیلم، خود می‌تواند هدف باشد اما فیلم آموزشی با همه‌ی ارزش و جنبه‌های هنری که در بیان و ماهیت رسانه‌ای خود دارد، وظیفه‌ی اصلی‌اش کارکرد آموزشی آن است.

با توجه به پیشرفت‌های اخیر در ساختارهای نو و روایت‌های نو فیلمی، می‌توانیم بگوییم فیلم آموزشی برای بیان موضوع خود در کنش اصلی هم حضور دارد. از همه‌ی انواع فیلمی داستانی، مستند و انیمیشن استفاده می‌کند تا بتواند از ویژگی‌های هر نوع در جایگاه خود بهره‌بردارد. لذا زیاده‌گویی نیست که با این تعبیر، فیلم آموزشی را دارای یک ساختار مختص خود بدانیم و آن را یک نوع فیلمی بگوییم. اگر فیلم آموزشی را با ساختار مستقل بپذیریم، ضرورت دستیابی به دستور بیان و زبان فیلمی آن هم ضرورت می‌یابد اما نکته‌ی مهم این است که این ساختار ترکیبی و روایت ترکیبی، می‌تواند دستور خود را از انواع فیلمی دیگر هم تا حد زیادی وام بگیرد اما شیوه‌ی چیدمان و ترکیب ژانرها و انواع فیلمی خود بحث مفصلی را می‌طلبد.

استفاده از هر نوع (type) فیلمی چه ویژگی دارد؟

به زبان ساده در ساختار فیلم آموزشی، موضوع- که همان دانش و آموزش را در پی دارد- در مرکز قرار می‌گیرد و تکه‌فیلم‌هایی در انواع فیلمی مختلف داستانی، مستند و انیمیشن نسبت به موضوع ساخته و در هم تنیده می‌شود. این شیوه‌ی ساختار و فیلم آموزشی مستقیم است.

نوع «انیمیشن» در فیلم آموزشی، بازسازی ذهنیت‌ها، ایجاد فانتزی، برجسته‌شدگی موقعیت‌ها، سرگرمی و جذابیت، ایجاد اغراق یا ایهام به‌عنوان تکنیک‌های مجاز در بیان، ساخت تصویری آمارها، جداول، گرافیک‌ها و... را به‌عهده دارد.

نوع «مستند» به دلیل اینکه دارای صحت و سند کافی و قابلیت ارجاع علمی است، جایگاه

مهمی در ترکیب جدید خود در فیلم آموزشی دارد. ساختار فیلم مستند می‌تواند حجم اطلاعات زیادی را در خود جای دهد و برای ارائه‌ی اطلاعات زیاد زمان کمی را نیاز دارد. صراحت و سرعت در ارتباط دارد، باورپذیری بالایی در مخاطب ایجاد می‌کند، می‌تواند سند قلمداد شود، با استفاده از آرشیو می‌تواند بخشی از وقایع تاریخی یا فیلم‌های قدیمی که استفاده از آن‌ها جنبه‌ی سندیت موضوع یا تشریح بیشتر را دارد به کار ببرد، با استفاده از گزارش می‌تواند با کمترین دخل و تصرف بیانی، واقعیت‌های بیرون را وارد فیلم آموزشی کند، با به کار بردن تکنیک‌های مستند ناب، آدم‌ها، موقعیت‌ها و قصه‌های واقعی را برای استفاده‌ی کاربردی در فیلم به کار گیرد و...

نوع «داستانی» در فیلم آموزشی می‌تواند با وارد کردن قصه و کاراکترهای جذاب روانی ارتباط، تعلیق و تهییج در مخاطب، ایجاد نگرش، ایجاد تنوع در روایت و... را به‌وجود آورد. زمانی که «موضوع» واحد را در مرکز روایت قرار دهیم و از منظر انواع فیلمی مختلف باز روایت کنیم و آن‌ها را به‌صورت متقاطع در هم بچینیم، از امکانات روایی همه‌ی ساختارها فرصت بهره‌گیری داریم.

چرا فیلم آموزشی دارای ساختار ترکیبی است؟

زیرا، موضوع را در زوایای مختلف ببینیم؛ فضای روایت را متنوع کنیم؛ ارتباط را هدفمند و کاربردی کنیم؛ از ویژگی‌های هر نوع فیلمی در جایگاه خود بهره‌جوییم؛

از محدودیت‌های هر نوع فیلمی پرهیز کنیم؛ مفاهیم آموزشی را با شکل (فرم)‌های مختلف تکرار کنیم؛

با تکرار قدرت جذب، مانایی دریافت و تسهیل در ارتباط ایجاد کنیم؛

با بالابردن ظاهر ریتم، تمرکز مخاطب را حفظ کنیم؛ درحالی که محتوا در نوع فیلمی قبلی یک‌بار



درمقابل زبان علم

● فهمیده دهقان

همیشه این سؤال مهم که بیان ذهنیت‌های یک فرد از چه سطحی وارد بیان و زبان هنری می‌شود مورد بحث بوده است و درمورد آن با تعاریف ضدونقیضی مواجه می‌شویم. اما در یک بررسی کلی، بیان و زبان هنر و ادب در مقابل بیان علمی - که شکل ساده و کاربردی‌تر زبان محسوب می‌شود - قرار می‌گیرد.

یک ساختار کلامی تنها وقتی ادبی است که موضوع مورد بحث خود را در بیش از یک سطح ارائه دهد یا وقتی یک گفته‌ی واحد در ساختار معنایی که در آن می‌آید بیش از یک نقش داشته باشد (نوووتنی، ۱۹۶۲: ۲). ادبیات از زبان غیرادبی متمایز است؛ به این دلیل که از طیف گسترده‌ای از «صناعات» بهره می‌گیرد که تأثیر آشنایی‌زدایی دارند. اصل آشنایی‌زدایی نیروی محرک درون تاریخ ادبیات نیز هست (برتز، ۱۳۸۲: ۷۳-۷۲).

«نخستین ویژگی زبان ادبیات آن است که بیش از انواع دیگر زبان مشمول به معنا و لذا نمادین است. بدین معنی که این نوع زبان بیش از آنکه بکوشد تا از رهگذر صورت یا دال به معنا یا مدلول و از آنجا به عالم مصادیق راه برد، همواره سعی می‌کند یک معنا را به معنای دیگر پیوند زند و این یکی را سمبل یا نماد دیگری کند» (حق شناس، ۱۳۸۲: ۲۴۹). این در حالی است که در زبان علم کاربرد صناعات زیاد دیده نمی‌شود. حق شناس می‌گوید: «زبان علم به هیچ روی در عالم معنا توقف نمی‌کند بلکه همین که از رهگذر صورت‌های زبانی به معنا راه برد، بلافاصله به جهان مصادیق وصل می‌شود. پس اگر زبان ادبیات به اعتبار این ویژگی نمادین باشد، زبان علم چنان نیست بلکه چیزی در مایه‌ی زبان اطلاعاتی است» (همان، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

در فیلم آموزشی اگر تأویل‌ها و لایه‌های معنا گسترده باشند، هدف آموزشی و فعل رفتاری فراگیر نامشخص می‌شود. پس این رویکرد با ذات فرایند یاددهی - یادگیری مغایر است اما از سوی دیگر ارزش بیانی و رسانه‌ای فیلم ایجاب می‌کند که کیفیت ماهوی خود را در این راستا حفظ کند.

ارائه شده است؛

در صورتی که دریافت معنا صورت نپذیرد، در نوع فیلمی جدید دریافت را امکان‌پذیر کنیم؛ به سلیقه‌های متنوع‌تری از مخاطبان پاسخ دهیم؛ در عین ایجاد لایه‌های معنا، پیام صریح آموزشی گم نشود.

فیلم آموزشی غیرمستقیم

در این فیلم‌ها در کنش اصلی، موضوع حضور مستقیم ندارد بلکه تأثیر مستقیم دارد. لذا، در پرداخت آن‌ها ضرورت استفاده از ترکیب چند نوع فیلمی دیده نمی‌شود. در این شیوه معمولاً فیلم‌های داستانی کاربرد فراوان دارند؛ گاهی این فیلم‌ها را صرفاً «تربیتی» می‌نامند که این تعبیری خطاست؛ چراکه همه‌ی فیلم‌ها در ذات خود تربیتی‌اند و آموزش در ذات تربیت است.

فیلم‌های آموزشی غیرمستقیم در پی ارائه‌ی حجم بالایی اطلاعات پیرامون موضوع خود نیستند بلکه شاید گاهی هدف اصلی، بیشتر جنبه‌ی ترغیبی و همدلی با مخاطب باشد. فیلم‌های داستانی در این حالت بهترین نمونه‌اند اما فیلم‌های مستند، انیمیشن و در کل، هر نوع فیلمی مستقل می‌تواند با تعریف هدف رفتاری برای مخاطب و چینش و ارتباط کاربردی اثر برای آموزش وارد این سطح ارتباطی و این نوع فیلمی شود.

ظاهر فیلم‌های آموزشی غیرمستقیم با انواع مشابه غیرآموزشی نزدیک است و تشخیص کارکرد «کاربردی» آن در آموزش گاهی محل تشکیک واقع می‌شود.

در پایان، آنچه در این نوشتار کوتاه مهم‌تر به نظر می‌رسد، درهم تنیدگی فرم و محتوا در رسانه‌ی فیلم آموزشی است. لذا متخصص ساختار فیلم - که فیلم‌ساز است - باید ضمن اتخاذ نظرات کارشناس علمی مورد بحثش، خود نیز تسلطی نسبی بر موضوع علمی بیابد تا بلاغتی در کلام و بیان فیلمی‌اش ایجاد گردد.